

نقدی بر منشأ تفکرات الگوی چهاربخشی در باغ ایرانی*

وحید حیدرنتاج
دکتری معماری، دانشگاه مازندران، پژوهشکده نظر
v.nattaj@yahoo.com

چکیده

درمورد علل پیدایش باغ ایرانی و هندسه خاص آن عوامل بسیاری ذکر شده است. یک دسته از عوامل، باغ ایرانی را چهارباغ به معنای باغ چهاربخشی دانسته و دلیل این شکل را در باغ‌های پیش از اسلام و پس از آن در اعتقادات و آموزه‌های دینی می‌دانند. برخی از نویسندگان اعتقاد ایرانیان به تقسیم دنیا به چهار قسمت را دلیل شکل چهاربخشی باغ‌های پیش از اسلام دانسته و برخی نیز نهرهای چهارگانه بهشت موعود در قرآن را عامل هندسه خاص باغ‌های می‌دانند. مسئله پیش‌رو در این مقاله نگاه فرمی به اعتقاد ایرانی - اسلامی به عدد چهار و استفاده از آن در تقسیم‌بندی و هندسه باغ بوده و قصد دارد تا با تحقیق بر ایده مورد تأکید این فرضیه چه پیش از اسلام و چه پس از آن، این فرضیه را مورد تردید قرار دهد. در مورد این موضوع که باغ ایرانی تمثیلی از بهشت و کوششی است در رسیدن به بهشت آرمانی در این دنیا، نوشته‌های بسیاری وجود دارد که در این بین تأثیر چهار نهر بهشتی در فرم و هندسه باغ از دیگر تأثیرات به صورت برجسته‌تری نمایش داده شده است. مقاله حاضر با تأکید بر تأثیر معنایی بهشت در طرح‌اندازی باغ ایرانی، بر آن است تا به نقد تأثیر صوری بهشت بر هندسه باغ بپردازد. فرضیه مقاله با رجوع به اسناد تاریخی و اعتقادی ایرانیان و تحلیل محتوا، تقسیم جهان به چهار بخش را از اعتقادات خاصه ایرانیان باستان دانسته و درباره باغ‌های پس از اسلام نیز تأثیرپذیری هندسه چهاربخشی باغ را از انهار بهشتی مورد تردید قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی

باغ ایرانی، بهشت، الگوی چهاربخشی، چهارباغ، چهار نهر بهشتی.

مقدمه

(تقسیم دنیا به چهار بخش در اسطوره ایرانی و انهار چهارگانه بهشتی موصوف در قرآن) مورد سؤال و تردید است. قدیمی‌ترین اثر کشف شده که ریشه بسیاری از نظریه‌ها در مورد هندسه باغ ایرانی و الگوی چهاربخشی آن بوده، کاسه سفالی یافته شده در سامراست؛ بر روی این کاسه سفالی (مربوط به ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد) جوی‌های متقاطعی ترسیم شده که چهار قطعه باغ را نشان می‌دهد و در هر قطعه یک درخت و یک پرند است. «سکویل وست» معتقد است؛ «این طرح همان طرح رسمی و عمومی است که ایرانیان از زمان کورش تا به امروز به کار برده‌اند ... و درحقیقت تمام باغ‌های ایران براساس این تقسیم هندسی طرح‌ریزی شده‌اند تاجایی که این کار به صورت یک کیفیت عرفانی درمی‌آید که از افکار بسیار قدیمی آسیا در تصور عالم وجود و تقسیم آن به چهار منطقه است که معمولاً چهار رودخانه بزرگ آنها را از هم جدا می‌کند» (سکویل وست، ۱۳۶۶: ۴۰۳). از دوران ماقبل تاریخ، در هنر سفال‌گری ایران، تصویری به قدمت خود دنیا ظاهر شده است: «تصویری که فضا را به چهار قسمت می‌کند و مرکز آن نقطه محور یک صلیب است» (شایگان، ۱۳۷۷: ۷۷). لذا هندسه باغ ایرانی تمثیلی از توجه و اعتقاد انسان به چهار جهت اصلی و چهار رود بهشتی دانسته شد (تصویر ۱). در ادامه دربخش اول باور ایرانیان باستان به چهار بخشی بودن زمین و پس از آن ایده شکل‌گیری باغ از چهار نهر بهشتی موصوف در قرآن به نقد گذاشته می‌شود.

اعتقاد به زیستگاه اولیه انسان بر روی زمین و شکل اسطوره‌ای آن و یقین به بازگشت به بهشت آرمانی که انسان از آنجا رانده شده، به‌عنوان بهترین جای متصور برای انسان در فرهنگ‌های مختلف، یکی از دلایل ایجاد باغ‌های زمینی معرفی شده است؛ تلاشی که درپی فراهم کردن بهشتی نیکو برای زندگی این جهانی بوده است. درمورد هندسه ویژه باغ ایرانی، نظریات متعددی ارائه شده که یکی از آنها افسانه چهارباغ است؛ افسانه‌ای که از تأثیر اعتقاد ایرانیان باستان درباره شکل افسانه‌ای زمین و همچنین نهرهای چهارگانه بهشتی موصوف در قرآن کریم در شکل‌گیری باغ‌های ایرانی و کهن الگوی آن سخن می‌گوید. مهم‌ترین تأثیر صوری در این زمینه پیدایش الگوی چهارباغ برگرفته از چهار نهر بهشتی است. از نگاه این نویسندگان باغ در تفکرات ایرانی تمثیل قطعه‌ای از بهشتی است که از اسطوره‌های کهن دینی و ادیان آسمانی متولد شده است. از این رو ایجاد مکان و فضای بهشت‌گونه در باغ‌سازی، نخستین انگیزه ایرانیان در طراحی پردیس‌ها محسوب می‌شود. «در بهشت کوثر هست و درختان و گل‌ها و جویبارها و در باغ نیز آب روان خوش و گل‌های زیبا و درخت‌هایی که می‌توان در سایه آنها آرامید، و این همه محصور در دیواری است که مانع ورود جهنمیان به آن شود (پیرنیا، ۱۳۷۳: ۵). اما در این میان مطلبی که مقاله درپی نقد و بررسی آن است برداشت از چهار نهر بهشتی در احداث باغ بوده که تنها مصداق آن نقوش چهاربخشی است که برداشت از چهار رود یا تقسیم دنیا به چهار بخش را نشان داده است. همچنین پیوند بین این دو تفکر

ریشه‌های تفکر زمین چهاربخشی

ساماندهی منظر به‌مثابه بهشت نیست بلکه تأثیر صوری آن را نفی می‌کند. آنچه درباره تقسیم جهان به چهار بخش وجود دارد یا برگرفته از افسانه‌هاست و یا کتاب مقدس یهود (تورات) که باغ عدن را منزلگاه نخستین انسان می‌داند، و سند مکتوبی براین مدعا وجود ندارد که ایرانیان پیش از اسلام نیز جهان را تشکیل شده از چهار بخش می‌دانستند، بلکه آموزه‌های دینی زرتشت مبین نظریات دیگری در این باب است که قابل تأمل است. اگر آموزه‌های اوستا و کتب باستانی ایرانیان را محملی برای ثبت اعتقادات ایرانیان بدانیم باید بپذیریم که آنها به تقسیم چهاربخشی دنیا اعتقادی نداشتند. هرچند عدد چهار در بسیاری از فرهنگ‌ها به‌عنوان یک مفهوم مشترک جای دارد، اما تأکید بر چهاربخشی بودن زمین در دیدگاه ایرانیان باستان دیده نشده است.

نتیجه این نگرش به‌زعم بسیاری از نویسندگان، پیدایش الگوی چهارباغ به‌عنوان مشهورترین الگوی شکل‌گیری باغ ایرانی و کهن الگوی باغ‌سازی ایرانی به شمار می‌رود. مشهورترین تعریف در

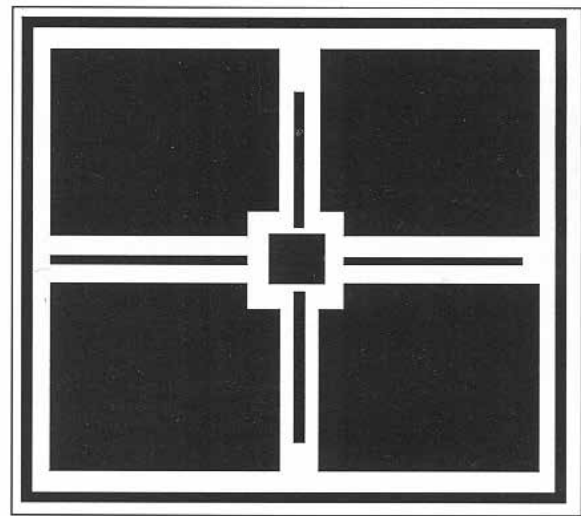
از آغاز ایرانیان باغ را یک تجلی زمینی از یک حقیقت معنوی می‌دیدند، «ظل و انعکاس عالم مینویی در این گیتی؛ به‌صورت طرح باغ ارتباط با علوم جهان‌شناسی و حکمت داشت و تجربه باغ محدود به عالم محسوس نبود بلکه تا حدی حقیقت عالم بالا و تجربه مستقیم آن را برای آنان که بصیرت و استعداد معنوی داشتند امکان‌پذیر می‌ساخت و به‌همین جهت درواقع نوعی هنر مقدس بود» (نصر، ۱۳۵۹: ۲۰۲). تصور بهشت موعود، تصویری است از زیباترین و دل‌پذیرترین باغ‌ها؛ ایرانیان نام بهشت را بر باغ‌های مختلف نیز اطلاق می‌کردند. شعرا از مقایسه باغ‌های زمینی و بهشت آسمانی لذت می‌برند و عالی‌ترین نوع باغ را باغ ارم می‌دانند. «این باغ توسط شداد پادشاه مشرکان در یمن ساخته شده، غرض او از این کار این بود که باغی زیباتر از بهشت موعود ایجاد کند ولی به محض این که احداث باغ پایان یافت فرمانفرمای نامدار بدرود زندگی گفت» (ویلیبر، ۱۳۴۸: ۵۲). هدف این نوشتار نفی تأثیر معنایی بهشت و آرزوی ایرانیان در

را از زمین رویانید و درخت حیات را در وسط باغ و درخت نیک و بد را؛ و نهری از عدن بیرون آمد تا باغ را سیراب کند و از آنجا منقسم گشته، چهار شعبه شد» (کتاب پیدایش، بند ۲: ۱۰ - ۸) و در ادامه نام رودها را به ترتیب «فیشون»، «جیحون»، «حدقل» و «فرات» معرفی می‌کند. به سادگی می‌توان درک کرد که تصور تقسیم دنیا با چهار نهر و تأثیر آن در باغ ایرانی برگرفته از تورات است.

با جستجو در متون کهن ایرانیان از جمله «اوستا» هیچ ردی از تقسیم دنیا به چهار بخش دیده نشده است؛ آموزه‌های دینی زرتشت در اوستا مهم‌ترین سند مکتوب ایرانیان پیش از اسلام حاکی از وجود یک دریای عظیم در مرکز زمین و تقسیم آن به هفت قسمت با هفت نهر است نه چهار قسمت، در «آبان یشت»؛ کرده یکم اوستا آمده است: «بدان هنگام که آردوسور اناهیتا - آن دارنده هزار دریاچه و هزار رود، هریک به درازای چهل روز راه مردی چابک سوار - به سوی دریای فراخ‌کرت روان شود، سراسر کرانه‌های آن دریا به جوش درافتد و میانه آن برآید؛ از این آبی که از آن من است، به هریک از هفت کشور، رودی روان شود» (آبان یشت، کرده یکم، بند ۴ و ۵)؛ و در «تیر یشت»؛ کرده پنجم می‌خوانیم: «تشر، ستاره رایومند فرهمند را می‌ستاییم که بر پریان چیره شود؛ که پریان را بدان هنگام که نزدیک دریای نیرومند ژرف خوش دیدگاه فراخ‌کرت که آبش زمین پهناوری را فراگرفته است، به پیکر ستارگان دنباله‌دار در میان زمین و آسمان پرت شوند - درهم شکند ... آنگاه ست‌سویس - به پاداش بخشی در رسد - این آب را به هفت کشور رساند» (تیریشت، کرده پنجم، بند ۸ و ۹).

در بندهش - قدیمی‌ترین متن به‌جا مانده پهلوی - در چگونگی زمین‌ها آمده است: «هنگامی که تیشتر آن باران را ساخت که دریاها از او پدید آمدند، زمین را همه جای نم بگرفت، به هفت پاره بگسست، دارای زیر و زبر و بلندی و نشیب بشد. به اندازه نیمه‌ای در میان و شش پاره دیگر پیرامون آن قرار گرفت، آن شش پاره

تصویر ۲. باغ فین، در ایده‌آل‌ترین حالت و در جزئیات باغ آب از یک جهت وارد و از سه جهت دیگر خارج می‌شود، عکس: وحید حیدر تاج، ۱۳۷۸.



تصویر ۱. طرح‌واره چهاربخشی برگرفته از عقاید باستانی که به‌عنوان آرکتایپ باغ ایرانی معرفی شده است، مأخذ: مسعودی، ۱۳۸۸: ۲۵.

ارتباط با چهارباغ آن را «یک باغ مستطیل شکل تقسیم شده به چهار قسمت به وسیله مسیرها یا آبراهه‌ها» (Stronach: Encyclopedia Iranica) می‌داند. «میرفندرسکی» با اشاره به ریشه‌های تاریخی مفهوم این واژه، اعتقاد دارد: «دو محور اصلی عمود برهم، باغ را به چهار قسمت اصلی تقسیم می‌کند. تقسیم بر چهار شدن دارای بار تاریخی طولی است و شکل بارز خود را در اشاره - آب از باغ عدن خارج می‌شود و به سمت چهار گوشه جهان جاری می‌شود. از روز ازل نشان می‌دهد» (میرفندرسکی، بی تا: ۱۰). در پی کاربرد واژه چهارباغ و ریشه‌یابی مفهوم آن، عدد چهار نقشی اساسی ایفا کرده است؛ لذا شاهد تناظر بین الگوی چهارباغ و باورهایی هستیم که در مورد عدد چهار وجود دارد از قبیل توجه به عنصر طبیعی آب و تقسیم آن به چهار رود. «آناهیتا الهه آب در اعتقادات ایرانیان همواره حضور داشته است و آب حیات‌بخش که در مظهر خود به چهار قسمت تقسیم می‌شود بهشتی در دل بیابان می‌آفریند» (بمانیان، ۱۳۸۷: ۱۰۵). نویسنده این مطلب برای اثبات مدعای خود سندی بیان نکرده است و تا نبود سند مطمئن تمام این بحث‌ها قابل تردید است، یا در جای دیگر آمده تصور بر این است که «از مرکز زمین یعنی از پای درخت زندگانی چهار جوی می‌جوشد که به سوی چهار جهت اصلی روان است و بدین‌سان صلیب افقی را بر صفحه عالم نقش می‌نماید» (گنون، ۱۳۷۴: ۱۰۰)؛ (تصویر ۲). به یقین می‌دانیم که تقسیم دنیا به چهار بخش از افسانه جایگاه نخستین حیات آدم از کتاب پیدایش تورات آمده است. «خداوند باغی در عدن به طرف مشرق غرس نمود و آن آدم را که سرشته بود در آنجا گذاشت؛ و خداوند هر درخت خوشنما و خوش خوراک

به چهار رود بهشتی شده است؛ در این نگاه چهار جهت و چهار رود بهشتی طرح بسیاری از باغ‌ها را در زمین‌های مسطح تحت تأثیر قرار داده است؛ همان چیزی که اخیراً به‌عنوان آرکتایپ باغ ایرانی (مسعودی، ۱۳۸۸)^۱ معرفی شده است (تصویر ۳).

شایع‌ترین تفکر در این باب برداشت صوری از نهرهای چهارگانه بهشتی است که تأثیر آن به‌صورت دو محور عمود برهم در باغ ایرانی ظاهر شده است از جمله: «آنچه مسلم است کاربرد وسیع ترکیب هندسه چهارباغ و آبراه‌های اصلی و متقاطع باغ‌های ایرانی در دوره پس از اسلام را می‌توان نتیجه ابعاد تمثیلی بهشت در قرآن (چهار نهر بهشتی) و دیدگاه کهن انسان به زمین به‌عنوان تمثیلی از کل طبیعت دانست» (دیبا، ۱۳۷۴: ۲۸)؛ در قرآن از چهار نهر بهشتی سخن می‌رود. «باغ‌های کلاسیک فارسی همیشه از این قاعده پیروی می‌کنند. آبراه‌ها در آنها به شیوه‌ای تعبیه شده‌اند که دور و بر آن را مکان‌هایی پر از درخت و گل گرفته‌اند. در محل تقاطع آبراه‌ها و نهرها؛ حوض یا خانه باغ‌هایی وجود دارند» (آدریان فون روکوئز، ۱۳۸۱: ۹۷)؛ «نهرهایی که در این باغ‌ها جاری هستند به سان چهار رودی هستند که جایگاه نیکان در بهشت را نوبت به نوبت با شراب، عسل، آب و شیر آبیاری می‌کنند» (پورتر، ۱۳۸۴: ۲۳).

آنچه در اینجا حائز اهمیت است این است که در قرآن آنجا که بحث از انهار بهشتی می‌شود صحبتی از فرم نهرهای چهارگانه نیست؛ تفسیر نمونه در باب آیه ۱۵ سوره محمد (توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده چنین است که در آن نهرهایی از آب صاف و خالص است که بدبو نشده و نهرهایی از شیر که طعم آن دگرگون نگشته و نهرهایی از شراب (طهور) که مایه لذت نوشندگان

به اندازه خونیرس است، او آنها را کشور نام نهاد» (بهار، ۱۳۶۹: ۷۵). بنابراین می‌توان دریافت کتب معتبر ایرانیان که نشان‌دهنده اعتقاد آنهاست؛ قائل به تقسیم دنیا به هفت قسمت است نه چهار قسمت، پس این طرز تفکر از اساس باطل است که ایرانیان اعتقاد به چهارقسمتی بودن دنیا داشته‌اند. لذا تصور چهار رود و تقسیم جهان و باغ به چهار بخش در دوران پیش از اسلام برگرفته از آموزه‌های دینی تورات است نه ادیان ایرانی. به‌گواهی تاریخ و بخش‌های دیگر از تورات، باغ‌های ایرانی قبل از تورات وجود داشته است؛ لذا نسبت باغ ایرانی به اعتقادات یهودیت مانع شناخت دقیق باغ ایرانی و علل پیدایش آن است.

ایده چهار نهر بهشتی

تصور مکانی با زیبایی و صف‌ناپذیر که در آن آب و غذا به وفور یافت می‌شود و انسانی که بی‌هیچ غم و غصه با طبیعت روزگار می‌گذراند، در تفکر اسلامی نیز وجود دارد. آرزوی هر انسان دستیابی به آن مکان در همین دنیاست، لذا «برخی بر این اعتقادند که جزئیات یادشده در قرآن، الگوی باغ‌سازی و باغ‌نگاری روی قالی‌ها هستند که بهشتی را بر خاک می‌سازند و برای مومنان تصویری عینی از بهشت برین بر خاک تیره نمایش می‌دهند و بشارت جهان دیگرند» (آدریان فون روکوئز، ۱۳۸۱: ۹۷). قرآن مجید بهشت را از آن ایمان‌آوردگان و کسانی می‌داند که بر پیمان الست پایدار باقی بمانند. «آنها که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند و در برابر خدا خاضع بودند، آنها یاران بهشت‌اند و جاودانه در آن خواهند ماند» (هود، آیه ۲۳)؛ «هرکس عمل صالحی انجام دهد، خواه مرد و خواه زن، درحالی که مؤمن باشد وارد بهشت می‌شود و روزی بی‌حساب به او داده خواهد شد» (غافر، آیه ۴۰).

«در دوره‌های بعد از اسلام هدف اصلی طراحی باغی بود که آنها را به شرح بهشت نزدیک‌تر کند و یک باغ خوب همیشه با بهشت سنجد می‌شد» (Daneshdoust, 1993: 44-46). در برخی از این نقطه نظرات عناصر یا کیفیت فضایی باغ ایرانی، یک به یک با آیات قرآنی مقایسه شده و در نهایت به این نتیجه ختم می‌شود که شکل و هندسه باغ ایرانی برگرفته از توصیفات بهشت موعود در قرآن است؛ هدف مقاله در این بخش نقد برداشت صوری از بهشت است.

از این دست توصیفات بسیار است؛ «می‌دانیم که در باغ ایرانی آب را به درون زمین می‌بردند و سپس از مکان‌های خاصی به بیرون جاری می‌کردند. شاید جاری شدن آب از جای‌جای باغ و حرکت آن در چهار جهت و چهار جوی، تمثیلی از چهار نهر بهشتی (آب، شیر، شراب و عسل) باشد. گرچه در بسیاری از باغ‌های ایرانی آب از یک جهت می‌آید و ضمن ریختن در یک حوض مقسم در سه جهت دیگر جاری می‌شود اما گردش آب را در چهار جهت تداعی می‌کند» (باوندیان، ۱۳۸۷). عناصر چهارگانه در این دیدگاه تبدیل

تصویر ۳. در بسیاری از باغ‌ها، اساساً طرح چهاربخشی وجود نداشته و باغ به‌صورت تراس‌بندی در زمین شیبدار واقع است. مأخذ: مجموعه باغ‌های بهشهر؛ عکس هوایی سال ۱۳۳۵، سازمان نقشه برداری کشور.



شد ارائه نمی‌شود و ۳. این نه‌های چهارگانه تنها نمونه‌هایی از انهار بهشت بوده و نه‌ها و چشمه‌های دیگری نیز در بهشت جاری است که در سوره‌های دیگر قرآن آمده است؛ لذا برداشت تعداد چهار نهر و تقسیم به چهار جهت مختلف از آیات قرآن و توصیف بهشت موعود، تفسیر سلیقه‌ای از بخش کوچکی از قرآن بوده و جای تردید دارد. در اینجا مجدداً تأکید می‌شود که برداشت معنایی از بهشت و سعی انسان در بازسازی آن بر روی زمین همواره وجود داشته و فقط برداشت شکلی مورد تردید است.

است و نه‌هایی از عسل مصفی^۲ در مورد انهار بهشتی می‌نویسد: «از آیات قرآن مجید به خوبی استفاده می‌شود که در بهشت نه‌ها و چشمه‌های گوناگونی است که هر کدام دارای فایده و لذتی است که تنها چهار نمونه آن در آیه فوق آمده و نمونه‌های دیگری نیز در سوره دهر است. تعبیر به انهار در مورد این چهار نوع نشان می‌دهد که از هر کدام آنها یک نهر نیست بلکه نه‌ها است» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه). در این تفسیر به روشنی مشخص است که ۱. صحبت از وجود چهار نهر نیست بلکه نه‌های چهارگانه است؛ ۲. هیچ‌گونه فرمی از نه‌ها همانند آن چیزی که در تورات اشاره

نتیجه‌گیری

از توصیفات کتب مقدس ادیان غیر ایرانی مانند تورات اخذ شده است که در آن از عدن به‌عنوان جایگاه نخستین انسان یاد کرده و به وضوح از وجود چهار نهر منقسم به چهار بخش در آن باغ

با توجه به پیشینه باغ ایرانی که به قبل از اسلام می‌رسد، نسبت باغ‌های اولیه به بهشت موصوف در قرآن از اساس نادرست است و ایده پرداختن به زمین و شکل باغ به تقلید بهشت در این باغ‌ها

تصویر ۴. باغ فین، تأثیر معنوی بهشت را در باغ به‌صورت حضور عناصر ارزشمند طبیعی مانند آب می‌توان درک کرد، عکس: وحید حیدرنتاج، ۱۳۸۷.



بیان فرم نبوده لذا ایجاد نسبت بین فرم باغ ایرانی و فرم بهشت از منطق علمی برخوردار نیست؛ اما نمی‌توان تأثیر معنایی بهشت را در باغ‌سازی نادیده گرفت، چراکه انسان‌ها به دنبال فضایی هستند که همان آرامش و آسایش بهترین مکان‌ها یعنی بهشت را داشته باشد؛ لذا دور از ذهن نیست که ایرانیان نیز فضاهای بسیار زیبا و فرح‌بخش باغ‌ها را به بهشت نسبت داده‌اند (تصویر ۴). در پایان اینکه؛ می‌بایست دلیل وجودی هندسه خاص باغ ایرانی یعنی محورهای متعامد و مستقیم‌الخط را در جای دیگر جستجو کرد، مطالعه بر روی ریشه‌های اولیه پیدایش باغ ایرانی و کشف کهن الگوی واقعی راه را بر شناخت بیشتر از این پدیده باز خواهد کرد.

یاد می‌کند؛ چرا که در آموزه‌های اوستا؛ به‌عنوان مهم‌ترین سند مکتوب ایرانیان باستان، از دریاچه «فراخکرد» در مرکز زمین و جاری شدن نهرهای هفتگانه از آن به هفت کشور یاد می‌شود نه نهرهای چهارگانه.

بیشترین استنادات در مورد شباهت باغ‌های موسوم به ایرانی - اسلامی به بهشت مربوط به چهار نهر بهشتی است که با توجه به ترجمه و تفسیر آیه مربوطه صحبت از انهار چهارگانه بهشتی به‌عنوان نمونه‌هایی از نهرهای بهشت است نه صرفاً چهار نهر و نیز می‌بینیم که در قرآن برخلاف تورات صحبتی از فرم این انهار نشده است، لذا به واسطه این که توصیف از بهشت در قرآن به صورت

پی‌نوشت

*. این نوشتار بازنویسی مقاله «نقدی بر فرضیه الگوی چهارباغ در شکل‌گیری باغ ایرانی» است که در مجله باغ نظر (دوره ۶ شماره ۱۲، زمستان ۱۳۸۸) به چاپ رسیده است.

۱. رجوع شود به مسعودی (۱۳۸۸) بازناسی باغ ایرانی؛ باغ‌شازده، فصل دوم، صفحات ۳۵ تا ۵۰.

۲. مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ (۴۷، آیه ۱۵).

فهرست منابع

- قرآن
- اوستا
- تورات
- آدریان فون روکوئز، کارین. (۱۳۸۱). نگاره‌های باغ و بوستان بر قالی‌های ایرانی، ترجمه: علی عبداللهی، ماهنامه گزارش گفت‌وگو، ۲ (۲): ۹۸-۹۶.
- باوندیان، علیرضا. (۱۳۸۷). باغ‌هایی از جنس دعا، قابل دسترس: <http://www.armanshahr.org/1-X-15-0-24> (تاریخ دسترسی ۹۴/۹/۴).
- بمانیان، محمدرضا و دیگران. (۱۳۸۷). بررسی بنیادهای فرهنگی - محیطی در عناصر کالبدی باغ‌های ایرانی (قبل از اسلام)، مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۰ (۱): ۱۱۲-۱۰۳.
- بهار، مهرداد. (۱۳۶۹). فرنیغ دادگی؛ بندهش، تهران: توس.
- پورتر، ایو. (۱۳۸۴). باغ‌های بهشتی و فرش‌های باغی؛ دیدار استعاره‌ها، مجله موزه‌ها، (۴۱): ۲۳-۲۲.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۷۳). باغ‌های ایرانی، مجله آبادی، ۴ (۱۵): ۹-۴.
- دیبا، داراب و انصاری، مجتبی. (۱۳۷۴). باغ ایرانی، مجموعه مقالات اولین کنگره معماری و شهرسازی ارگ بم، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۴۲-۲۵.
- سکویل وست، ویکتوریا. (۱۳۶۶). باغ ایرانی، ترجمه: بهاء‌الدین بازارگاد، مجموعه مقالات میراث ایران اثر آبروی، ا.ج و سیزده تن از خاورشناسان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۳۹۹-۴۳۷.
- شایگان، داریوش. (۱۳۷۷). بت‌های ذهنی و خاطره‌ازلی، چاپ دوم،
- تهران: انتشارات امیرکبیر.
- گنون، رنه. (۱۳۷۴). معانی رمز صلیب، تحقیقی در فن معارف تطبیقی، ترجمه: بابک عالیخانی، تهران: سروش.
- مسعودی، عباس. (۱۳۸۸). بازناسی باغ ایرانی؛ باغ‌شازده ماهان، چاپ نخست، تهران: نشر فضا.
- مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تفسیر سوره محمد، آیه ۱۵، قابل دسترس: www.andisheqom.com/Files/quranshenasi.php (تاریخ دسترسی ۹۴/۹/۴)
- میر فندرسکی، محمد امین. (بی تا) باغ ایرانی چیست؟ باغ ایرانی کجاست؟ قابل دسترس: <http://library.tebyan.net/fa/Viewer/Text/85379/1> (تاریخ دسترسی ۹۴/۹/۴)
- نصر، سید حسین. (۱۳۵۹). نظر متفکران اسلامی در مورد طبیعت، تهران: خوارزمی.
- ویلبر، دونالد. (۱۳۴۸). باغ‌های ایرانی و کوشک‌های آن، ترجمه: مهین دخت صبا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- Stronach, D. (1990). CAHARBAGH, Available from: <http://www.iranicaonline.org/articles/caharbag-lit Iranica.com>. (Accessed 25 November).
- Daneshdoust, y. (1993). Islamic Garden in Iran, Available from: (Accessed 25 November). www.international.icomos.org/publications/93garden4.pdf, 44-52.